

جرایم مرتبط با احزاب سیاسی در حقوق ایران

سمیه آقایی

^۱ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی زنجان

چکیده

جرم انگاری، به طور کلی ابزار تضییق حدود فعالیت اشخاص و احزاب است. در خصوص احزاب سیاسی که حسب نوع و ماهیت فعالیت خود، به عنوان عنصر رقیب یا همراه دولت، تمایل حداکثری به فعالیت در حوزه سیاسی و اجتماعی دارند، جرم انگاری اقدام محدود کننده بیشتری قلمداد می شود. بررسی جرایم و مجازاتهای ناظر به فعالیت احزاب سیاسی، نه تنها از یک سو تعیین گستره حدود فعالیت احزاب و آزادی عمل آنها جهت پیشبرد مرامنامه سیاسی - اجتماعی شان تلقی می شود، بلکه از دیگر سو بیانگر کیفیت واکنش نظام حقوق - سیاسی و استقبال با عدم استقبال آن از عملکرد احزاب نیز ارزیابی می گردد. بدون تردید، تعیین مصادیق مجرمانه محدود، روشن و بدون ابهام، موجبات اشتغال فعالیت حزبی و پایداری احزاب را فراهم خواهد نمود، در حالی که جرم انگاری مبهم، قابل تفسیر و تاویل، زمینه ساز تعرض به احزاب به عنوان کنشگران سازمان یافته فعالیت های سیاسی را به دنبال داشته، موجب مداخله غیر قابل پیش بینی نهادهای حکومتی در محدود سازی و تضییق فعالیت احزاب خواهد بود.

با در نظر گرفتن این ویژگی ها، می توان به بررسی جرایم و تخلفات احزاب سیاسی در نظام حقوق ایران پرداخت. بدیهی است تأمل در انواع جرایم و مجازاتهای احزاب سیاسی در این نظام حقوقی، می توان حدود و ثغور فعالیت آزادانه احزاب در ایران را نیز مدنظر قرار داد. در این بحث، جرایم و تخلفات مصرحه در خصوص فعالیت احزاب و گروههای سیاسی در قوانین کیفری ماهوی، از جمله قانون احزاب، قانون مجازات اسلامی و قانون انتخابات را بررسی می کنیم.

واژگان کلیدی: جرایم، احزاب سیاسی، حقوق ایران، قوانین کیفری ماهوی.

مقدمه:

مبحث اول: مفهوم، تاریخچه و شخصیت حقوقی حزب

در این مبحث ضمن بررسی مفهوم لغوی و حقوقی حزب به تاریخچه احزاب نیز خواهیم پرداخت.

گفتار اول: مفهوم حزب

حزب در اصطلاح با داشتن شخصیت حقوقی مستقل به سازمان سیاسی ای اطلاق می شود که از «همفکران و طرفداران یک آرمان تشکیل شده است و با داشتن یک تشکیلات منظم، برنامه های سیاسی کوتاه مدت و دراز مدت برای نیل به آرمانشان از دیگر اشکل سازمانی مانند جبهه و گروه سیاسی مشخص می شود، و معمولاً برای گرفتن قدرت دولتی و یا شرکت در آن مبارزه می کند».

با وجود این از یک سو احزاب صرفاً جهت گیری سیاسی ندارند و در هر حوزه ای به فراخور اندیشه ی مطلوب خود، مانند اقتصاد، حقوق، اخلاق و فرهنگ هم وارد می شوند و از سوی دیگر اگر چه محور فعالیت های احزاب با دیگر سازمان های مردم نهاد از حیث گرایش احزاب به قدرت جدا می شود، ولی اینکه قدرت تنها در دولت خلاصه می شود تلقی صحیحی به نظر نمی آید.

زیرا قلمرو قدرت می تواند در عرصه های دیگری همچون امور عمومی غیردولتی و یا حتی نهادهای منطقه ای و بین المللی قابل توجه و در مواردی بسیار بیشتر از قدرت دولتی باشد. براین اساس حزب به «شخصیت حقوقی مستقلی در حیطه ی قدرت اجتماعی گفته می شود که متشکل از طیف همفکران و طرفداران یک آرمان مشترک در قالب یک سازمان منظم و با برنامه ی مشخص می باشد»^۲.

گفتار دوم: تاریخچه حزب

احزاب به شکل نوین همزمان با استقرار نظام های انتخاباتی، خصوصاً پارلمان ها از قرن نوزدهم شکل گرفتند. این احزاب در آغاز به شکل کمیته های انتخاباتی ظاهر شدند تا هم حمایت یک طیف خاص فکری را از یک کاندیدا اعلام کنند و هم وجوه مالی لازم را برای مبارزات انتخاباتی فراهم سازند.^۳ هدف اصلی و نهایی آنها به دست گرفتن قدرت سیاسی محلی یا ملی از طریق مبارزات انتخاباتی و یا حفظ قدرت بود. احزاب برای پیروزی در انتخابات و به دست آوردن کرسی های بیشتر در مجالس قانون گذاری یا تصمیم سازی از طریق تبلیغ، در جریان انتخابات تلاش می کنند.

در این حالت ایجاد حزب منشا انتخاباتی و پارلمانی دارد در حالیکه در مواقعی، مجموع سازمان های یک حزب، محصول یک سازمان قبلی است که تا آن هنگام فعالیت هایش جنبه انتخاباتی و پارلمانی نداشته است. می توان گفت در این موارد، منشا به وجود آمد حزب، یک سازمان غیر انتخاباتی و غیر پارلمانی است.

در موارد بسیاری، گروه ها، اصناف و سازمان های مردم نهاد موجب پیدایش یک حزب شده اند. نکته قابل توجه در مورد احزاب کارویژه ی آنها می باشد. وقتی از حقوق دانان احزاب را قدرت مردم در تعدیل و کنترل قدرت دولتی معرفی می کنند، بر این اساس قدرت احزاب در خدمت مردم برای جلوگیری از عملکردهای خودسرانه دولت معرفی می شود و به همین دلیل عنوان «هیئت های واسطه» نیز به احزاب اطلاق می گردد.

به عبارت دیگر مردم به صورت فردی نمی تواند در مقابل قدرت فائقه ی دولت به مطالبه ی حقوقشان بپردازند و بیم آن می رود نه تنها آزادی مشارکت، بلکه آزادی استقلال آنها نیز تضییع گردد. پس احزاب باید برای احقاق حقوق و منافع آنها ایجاد گردد، در حالیکه به مهمترین شاخصه احزاب گرایش به قدرت است موضوع دیگری است.

به علاوه آنکه از یک سو احزاب نیز بعد از گذراندن فرایندهای تاریخی می توانند دارای قدرت بسیاری گردند و از سوی دیگر غالب احزاب باثبات خود در دولت حضور جدی و موثر دارند. با وجود این چگونه می توان انتظار داشت که احزاب الزاماً منافع خود را بر منافع مردم ترجیح ندهند. مضافاً آنکه می دانیم احزاب دارای نظام خاصی در طرد اندیشه ها و افراد ناهمگون خود می باشند.

به این ترتیب اگر چه احزاب می توانند نقش تسهیل کننده ی مشارکت مردمی را بازی کنند و از همین رو وجودشان ضروری است، اما همان قدر که یک دولت توتالیتر می تواند جامعه را به انحطاط بکشانند، یک حزب صرفاً قدرت طلب نیز می تواند فجایع قابل توجهی را در مصادره ی قدرت خلق نماید. حزب مردم ایران، حزب بعث عراق، حزب فاشیست، حزب نازیسم آلمان، احزاب رادیکال سبز اروپا و غیره از مصادیق بارز خطر احزاب به شمار می آیند.

۱ - علی آقا بخشی، مینو افشاری، فرهنگ سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۲۸۳.

۲ «قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده» احزاب را چنین تعریف کرده است که «حزب، جمعیت، انجمن و سازمان سیاسی و امثال آنها تشکیلاتی است که دارای مرامنامه و اساسنامه بوده و توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمان های و مشی سیاسی معین تاسیس شده و اهداف، برنامه ها و رفتار آن به صورتی به اصول اداره ی کشور و خط مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد».

۳ موریس دوورژه، اصول علم سیاست، ترجمه ی ابوالفضل قاضی، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی، ۱۳۶۹، ص ۱۳۷.

گفتار سوم: شخصیت حقوقی حزب

در ادبیات حقوقی ، اساساً «شخصیت حقوقی» با «شخص حقوقی» بسیار متفاوت است. به بیانی ساده «شخصیت حقوقی ظرفی برای دارا شدن حقوق و تکالیف برای اشخاص است.»^۴ اشخاص نیز در علم حقوق به دو دسته ی «اشخاص حقیقی (طبیعی)» و «اشخاص حقوقی (ساختگی یا مصنوعی)» تقسیم می شوند.

به عبارتی، شخص حقوقی به شرکت ها و نهادها و مؤسساتی اطلاق می شود که با اجازه قانون گذاری مستقل از اشخاص حقیقی تشکیل دهنده آنها، دارای حقوق و تکالیفی می شوند و محدودیت ها و تشریفاتی نیز بر آنها تحمیل می شود تا در نهایت، مصلحت اشخاص حقیقی بهره مند از این شخص حقوقی، مراعات گردد.

بنابراین وجود شخص حقوقی و شخصیت آن، به اعتباری است که ناشی از دیدگاه های فلسفی حقوقی می باشد. بر اساس یکی از تعاریف ارانه شده «شخصیت حقوقی عبارت از مجموعه اموال یا اشخاص است که برای تحقق هدفی معین و مطابق ضوابط یا تشریفات خاصی شکل یافته و صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف مستقل را دارد.»^۵

همان طور که اشاره گردید، بر اساس بند ۱ ماده ۱ قانون فعالیت احزاب، حزب توسط یک گروه اشخاص حقیقی تأسیس می شود. بنابر این حزب از مصادیق بارز شخصیت حقوقی می باشد که توسط اشخاص حقیقی تأسیس می گردد. ذکر اینکه لازم است که حزب تنها توسط اشخاص حقیقی شکل می گیرد و اشخاص حقوقی قادر به ایجاد آن نیستند.

از دیگر دلایل مثبت شخیصت حقوقی برای احزاب، لزوم وجود اساسنامه و «هیئت مؤسس» برای تشکیل احزاب است. این دو، مخصوص اشخاص حقوقی و از لوازم اساسی برای تشکیل غالب شخصیت های حقوقی می باشند. یکی از مسائل مربوط به مسئولیت کیفری احزاب که به شخصیت حقوقی احزاب مربوط می شود. زمان تشکیل شخصیت حقوقی احزاب است. این موضوع در مورد سایر انواع اشخاص حقوقی نظیر شرکت های تجاری نیز حائز اهمیت است.

مثلاً قانون در مورد زمان تشکیل شخصیت حقوقی شرکت های تجاری بر اساس نوع آنها احکام متفاوتی را پیش بینی نموده است. یکی از نکات مهم در مورد زمان تشکیل شخصیت حقوقی برای احزاب سیاسی، تفکیک میان مرحله ثبوتی و اثباتی آنها است. شخصیت حقوقی از مقوله و جنس شخصیت اعتباری است، نه وجود خارجی وجود اعتباری تنها از طریق رعایت تشریفات قانونی و ثبت در دفتر مخصوص به منصف ظهور می رسد و قبل از آن در عالم خارج هیچ اعتباری ندارد.^۶

این تفکیک در مورد زمان تشکیل شخصیت حقوقی حزب نیز لازم است. با این توضیح که شخصیت حقوقی احزاب نیز در زمان تشکیل هیئت مؤسس و امضای اساسنامه آن از لحاظ ثبوتی تشکیل می شود.

اما تا این زمان گویی نطفه حزب شکل گرفته ولی برای موجودیت یافتن در جهان خارج و قابلیت دارا شدن حقوق و تکالیف وجود شرایط دیگری نیز ضروری است. از جمله لازم است ابتدا اساسنامه آن از طریق فرمانداری به اطلاع وزارت کشور برسد.

از آنجا که قابل اجرا بودن اساسنامه از شرایط اساسی برای فعالیت حزب می باشد، لذا زمان انتشار اساسنامه حزب در روزنامه رسمی را می توان به عنوان مرحله اثباتی و زمان قانونی تشکیل حزب دانست. مسئولیت کیفری احزاب نیز از این زمان مستقر می گردد و جرایم ارتكابی قبل از آن را نمی توان به شخصیت حقوقی حزب منتسب دانست .

مبحث دوم: احزاب در حقوق موضوعه ایران

قانون احزاب را می توان قانونی دانست که به طور مشخص برای تنظیم فعالیت سازمان های سیاسی وضع شده است . در زیر به قوانین احزاب در نظام حقوقی ایران می پردازیم.

گفتار اول) قانون اساسی

در ایران احزاب هم در قانون اساسی مشروطه و هم در قانون اساسی بعد از مشروطه مورد توجه قانون گذار قرار گرفته اند. در زیر به جایگاه احزاب در این قوانین می پردازیم.

^۴ Martin, Elizabeth. Oxford Dictionary of Law, ۷th edition. Oxford, Oxford University Press, ۲۰۰۳, p159

^۵ پاسبان، محمدرضا. حقوق شرکت های تجاری. تهران، امارات سمت، ۱۳۸۹، ص ۱۳ به نظر میرسد که تعریف فوق به تعرف شخص حقوقی نزدیک تر است نویسنده نیز قصد تعریف شخصیت حقوقی را داشته است.

^۶ شاملی، مجید، زمان تحقق شخصیت حقوقی در شرکتهای سهامی، نشریه وکالت، ش ۲۸، ۱۳۸۴، ص ۵۲

بند اول) احزاب در قانون اساسی مشروطه

در قانون اساسی مشروطه (مصوب ۱۲۸۵ هجری شمسی)، در تایید احزاب با عناوینی همچون «انجمن ها و اجتماعات» در اصل ۲۱ متمم قانون اساسی مشروطه اشاره شده بود. قوانینی که بعدها توسط مجلس ملی و یا هیأت دولت در ارتباط با احزاب تدوین شده متأثر از این اصل بوده و بدان تصریح و استناد کرده اند.

انجمن ها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل نظم نباشند در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعی با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر می کند باید متابعت نماید اجتماعات در شوارع و میدان های عمومی هم باید تابع قانون نظمیه باشد.

همان گونه که ملاحظه می گردد این عبارت بسیار کلی بوده، تفاسیر متعددی از آن برداشت می شده و این امر نسبت به فعالیت احزاب و گروه ها تأثیرگذار بوده است.^۷

بند دوم) احزاب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با احترام به حقوق و آزادی های عمومی، جایگاه قانونی برای تحزب به عنوان یکی از مصادیق آزادی ها متصور شده و اصل بیست و ششم قانونی اساسی در همین رابطه اشعار می دارد: «احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده

آزادند مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی ایران را نقض نکنند هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت». بنابر این قانون اساسی، با مدنظر قرار دادن اصل آزادی، آزادی احزاب را به طور مطلق، و با رعایت پارهای شرایط از جمله اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موز این اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را پذیرفته است.

علاوه بر این، این نکته بسیار جالبی است که قانون اساسی به جای این که فعالیت احزاب را برشمارد و حزب سیاسی را تعریف کند که اهداف و وظایف حزب سیاسی چیست، اکتفا به موارد ممنوعه کرده است. این از نظر اصولی به این معناست که احزاب در همه فعالیت ها بی قید و شرط آزادند، فقط محدودیت ها بیان نشده است. اصل، آزادی احزاب است مگر مواردی که منطبق با یکی از موانع پنجگانه باشد.

البته باید به این نکته اشاره کرد که جایگاه تبیین شده نسبت به احزاب، محدود به اصل بیست و ششم نمی باشد، بلکه می توان به اصول مختلف قانون اساسی که به نوعی مرتبط با فعالیت احزاب است اشاره نمود. این امر، مبین این نکته است که قانون اساسی، احزاب را به طور جدی مدنظر داشته است.^۸

گفتار دوم) قوانین عادی

احزاب در قوانین عادی نیز مانند قانون اساسی همواره قبل و بعد از انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته اند از جمله قوانین قبل از انقلاب که به نحوی به احزاب پرداخته اند، آئین نامه ثبت احزاب به عنوان یکی از مصادیق تشکیلات غیر تجاری مصوب ۱۳۳۷، قانون هیات منصفه مصوب ۱۳۱۰، قانون مقدمین بر علیه امنیت و استقلال کشور مصوب ۱۳۱۰، آیین نامه تشکیل و صلاحیت دادگاه نظامی موقت مصوب ۱۳۲۱، قانون ضبط اموال احزابی که به استناد اصل ۲۱ متمم قانون اساسی منحل گردیده است مصوب ۱۳۲۰۸ و قانون کار مصوب ۱۳۳۷ را می توان نام برد. بعد از انقلاب اسلامی نیز احزاب در قوانین زیر مورد تاکید قرار گرفته اند :

بند اول) اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستان انقلاب اسلامی

این اطلاعیه مشتمل بر ده ماده می باشد که با توجه به شرایط حاکم بر کشور، و در جهت ایجاد نظم و امنیت و در جهت کاستن از اعمال خشونت آمیز صادر شده است.

بند دوم) قانون فعالیت احزاب مصوب ۱۳۶۰

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آزادی احزاب را به طور مطلق، با رعایت شرایطی مورد پذیرش قرار داده، در مقام اجرای این اصل اساسی که در واقع مبین حقوق و آزادی های فردی و گروهی ملت باشد، قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و ... در قالب یک طرح قانونی تقدیم مجلس شد و در تاریخ ۷ شهریور ۱۳۶۰ مورد تصویب مجلس شورای اسلامی قرار گرفت.

بند سوم) آئین نامه ی اجرایی قانون فعالیت احزاب مصوب ۱۳۶۱

به دنبال تصویب قانون احزاب، به پیشنهاد وزارت کشور، آئین نامه ی اجرایی فعالیت احزاب و ... در جلسه مورخ ۱۳۶۱ به تصویب هیات وزیران رسید. آئین نامه فوق مشتمل بر ۴۱ ماده و ۱۷ تبصره و ۴ فصل می باشد. فصل اول به چگونگی تشکیل گروه ها می پردازد. در فصل دوم به

^۷ دفتر مطالعات سیاسی مجلس شورای اسلامی، «قانون گذاری در خصوص احزاب سیاسی بررسی مقایسه ای»، مترجم احمد رنجبر، ۱۳۸۷، صص ۲-۴

^۸ عمید زنجانی، عباسعلی، «احزاب از منظر قانون اساسی و سایر مقررات حاکم»، انتشارات همشهری (کتاب دوم)، ص

کمیسیون ماده ۱۰ احزاب اشاره دارد که در آن ساختار، تشکیلات، وظایف کمیسیون شرح داده شده است. در فصل سوم و چهارم به قوانین مربوط به راهپیمایی ها و حقوق اقلیت ها اشاره نموده است.

بند چهارم) آئین نامه نحوه پرداخت یارانه به احزاب مصوب ۱۳۸۰

آئین نامه نحوه پرداخت یارانه به احزاب و گروههای مشمول قانون فعالیت احزاب، مصوب ۱۳۸۰ / ۸ / ۳ هیأت وزیران در همین خصوص می باشد. این آیین نامه دارای ۸ ماده و ۳ تبصره می باشد که در آن به پرداخت هر گونه یارانه به احزاب و گروههای مشمول قانون فوق الذکر به منظور ایجاد و تقویت فعالیت های گروهی انجام می پذیرد توسط وزارت کشور و در چهارچوب این آیین نامه و دستورالعمل های آن خواهد بود، اشاره دارد.

گفتار سوم: بررسی قانون مربوط به جرایم احزاب

جرم انگاری، به طور کلی ابزار تضییق حدود فعالیت اشخاص و احزاب است. در خصوص احزاب سیاسی که حسب نوع و ماهیت فعالیت خود، به عنوان عنصر رقیب یا همراه دولت، تمایل حداکثری به فعالیت در حوزه سیاسی و اجتماعی دارند، جرم انگاری اقدام محدود کننده بیشتری قلمداد می شود.

بند اول- جرایم و مجازاتهای ناظر به فعالیت احزاب سیاسی

بررسی جرایم و مجازاتهای ناظر به فعالیت احزاب سیاسی، نه تنها از یک سو تعیین گستره حدود فعالیت احزاب و آزادی عمل آنها جهت پیشبرد مرامنامه سیاسی - اجتماعی شان تلقی می شود، بلکه از دیگر سو بیانگر کیفیت واکنش نظام حقوق - سیاسی و استقبال یا عدم استقبال آن از عملکرد احزاب نیز ارزیابی می گردد. بدون تردید، تعیین مصادیق مجرمانه محدود، روشن و بدون ابهام، موجبات اشتغال فعالیت حزبی و پایداری احزاب را فراهم خواهد نمود، در حالی که جرم انگاری مبهم، قابل تفسیر و تاویل، زمینه ساز تعرض به احزاب به عنوان کنشگران سازمان یافته فعالیت های سیاسی را به دنبال داشته، موجب مداخله غیر قابل پیش بینی نهادهای حکومتی در محدود سازی و تضییق فعالیت احزاب خواهد بود.

با در نظر گرفتن این ویژگی ها، می توان به بررسی جرایم و تخلفات احزاب سیاسی در نظام حقوق ایران پرداخت. بدیهی است تأمل در انواع جرایم و مجازاتهای احزاب سیاسی در این نظام حقوقی، می توان حدود و ثغور فعالیت آزادانه احزاب در ایران را نیز مدنظر قرار داد. در این فصل، جرایم و تخلفات مصرحه در خصوص فعالیت احزاب و گروه های سیاسی در قوانین کیفری ماهوی، از جمله قانون احزاب، قانون مجازات اسلامی، قانون اساسی و قانون انتخابات را بررسی میکنیم.

بند دوم- بررسی جرایم و تخلفات در خصوص فعالیت احزاب و گروه های سیاسی در قوانین کیفری

ماده ۶ قانون فعالیت احزاب سیاسی مصوب ۶۰ مجلس شورای اسلامی در بیان حقوق «گروه ها» تصریح میکند که فعالیت گروه ها آزاد است ؛ مشروط بر اینکه مرتکب تخلفات مندرج در بندهای ماده ۱۶ این قانون نگردند. از طرفی نیز در تبصره های ۱ و ۲ ماده ۶ این قانون، به برخی از شرایط سلبی و ایجابی مربوط به احزاب و سایر گروهها، از جمله لزوم داشتن مرامنامه، اساسنامه، هویت هیأت رهبری و همچنین نحوه برگزاری راهپیمایی ها به همراه شرایط مربوط به آن اشاره شده است.

در ماده ۷ قانون مزبور نیز آمده است: «کلیه اعضای ساواک منحل، فراماسونها، کسانی که در فاصله ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ تا ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ به وزارت رسیده و یا به عضویت مجلس سنا یا شورای ملی درآمده اند، گردانندگان رژیم سابق و حزب رستاخیز و کسانی که به موجب احکام دادگاهها، طبق موازین در هیأت رهبری آن محرومند»^۹.

شرح بندهای دهگانه مقرر می دارد که گروه های موضوع این قانون باید در نشریات، اجتماعات و فعالیت های و دیگر خود از ارتکاب موارد زیر خودداری کنند.

ماده ۱۷ قانون فعالیت احزاب نیز در مقام بیان ضمانت اجرای انضباطی بر آمده و به کمیسیون ماده ۱۰ آن قانون اجازه داده است در صورتی که فعالیت تشکیلاتی یک گروه منشأ تخلفات مذکور در ماده ۱۶ باشد، بر حسب مورد نسبت به اعمال یکی از تدابیر انضباطی، از قبیل تذکر کتبی، اخطار، توقیف پروانه و نهایتاً تقاضای انحلال از دادگاه اقدام مقتضی را انجام دهد.

در قبال جرایم احزاب است. به عبارت دیگر، قانونگذار با آوردن عباراتی عام، کلی، دو پهلو و تردید آمیز، از جمله عبارت «از ارتکاب موارد زیر خودداری کنند» در ماده ۱۶ علی الظاهر قصد دارد به تشریح و معرفی کامل جرایم احزاب بپردازد، لکن متعاقباً در ماده ۱۷ با ذکر عبارت «تخلفات» و تفویض اختیار به کمیسیون ماده ۱۰ در جهت اعمال ضوابط و احکام انضباطی، این ذهنیت را به ذهن متبادر می سازد که شاید احزاب سیاسی و سایر گروهها، موضوع رفتارهای مجرمانه قرار نگیرند و اصولاً نظر قانونگذار آن باشد که با آنها در قلمرو همان تخلفات انضباطی برخورد شود.

^۹ فهرست موضوعی مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، دوره اول، سال دوم، صص ۴۷-۵۶

^{۱۰} محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی: کلیات حقوق جزا، گنج دانش، چاپ دوم، تهران، ج ۱، ۱۳۷۵، ص ۳۶

با وجود این، با عنایت به اطلاق و عموم مفاهیم و مصادیق مندرج در ماده ۱۶- که در پاره ای موارد دلالت بر ارتکاب افعال مجرمانه دارد، استنباط فوق تا حدود زیادی تحت الشعاع قرار می گیرد.

ایرادی که بر این ماده وارد است، اینکه، اولاً؛ غالب عبارات مصرحه در ماده ۱۶ قابل تفسیر به رأی بوده و به صورت کاملاً کلی و ابهام آمیز به کار رفته اند. به عبارتی، صراحت و شفافیت بیان که لازمه یک قانون مترقی و کارآمد است، در منطوق این ماده ملاحظه نمی گردد. ثانیاً؛ بر فرض که عبارت «تخلفات» یا «ارتکاب موارد زیر» در مواد ۱۶ و ۱۷ را محمول بر معانی و مفاهیم مجرمانه و تخلفاتی توأمان بدانیم، این تفسیر نیز راهگشا نخواهد بود، زیرا از یک طرف پیش بینی یک عنوان مجرمانه در قانون، مستلزم بیان صریح ضمانت اجرای کیفری آن نیز هست و از طرف دیگر، بنابر آنچه گذشت، در تفسیر قوانین کیفری ماهوی باید جانب و حزم و دوراندیشی را رعایت کرده و در موارد اجمال، ابهام و سکوت قانونی، قاعده تفسیر مضیق قوانین جزایی به نفع متهم را اعمال نمود.^{۱۱}

در جمع مباحث فوق، باید اذعان داشت که شاید قانونگذار در ماده ۱۶ در مقام تشریح جزئیات و ارکان متشکله جرایم ارتكابی احزاب نبوده و تنها نظر بر موارد غالب داشته است. به عبارتی، قانونگذار یک سری معیارهای سلبی را به عنوان افعال ممنوعه ناقض تحریمها و ارزشهای تقنینی بیان نموده و اختیار تعیین ضمانت اجرای کیفری و تشخیص اوصاف مجرمانه را به قوانین عام کیفری، از جمله قانون مجازات اسلامی و..... واگذار کرده است.^{۱۱}

البته، این ایراد مهم همچنان بر قانونگذار وارد است که از بیان جرایم حزبی و ضمانت اجرای کیفری مربوط به آن اجتناب نموده و زمینه را برای ظهور عقاید و آرای متفاوت و متهافت فراهم کرده است؛ حال آنکه با توجه به اینکه قانون احزاب یک مصوبه خاص بوده؛ قانون مطلوب نیز باید از جامعیت لازم برخوردار باشد، شایسته آن بود که قانونگذار صراحتاً به تبیین جرایم ارتكابی مرتبط با فعالیت احزاب و مهمتر از آن، تعیین ضمانت اجرایی آنها می پرداخت که متأسفانه قانون فعلی فاقد این اوصاف است.

به هر ترتیب، در این مبحث سعی بر آن است به معرفی و تبیین مفاهیم و عبارات مندرج در ماده ۱۶ قانون احزاب پرداخته شود

مبحث اول: شرایط تحقق مسئولیت کیفری در اشخاص حقوقی (احزاب)

جرم، مسئولیت کیفری و مجازات، سه ضلع طلایی حقوق کیفری است. اعمال مجازات به احراز مسئولیت کیفری و احراز آن به احراز مجرمیت منوط است. مجرمیت دو جنبه مادی و روانی دارد و تا زمانی که آن دو احراز نگردد، محقق نمی شود. اما مسئولیت کیفری جنبه موضوعی و مادی ندارد، بلکه جنبه شخصی و روانی دارد. سن، عقل، آگاهی و اختیار، ارکان مسئولیت کیفری است. مسئولیت کیفری حلقه و پل ارتباطی میان جرم و مجازات، و از این رو از مهم ترین مباحث حقوق کیفری است. مسئولیت کیفری پدیده ای مقدم بر مجازات است و تا زمانی که احراز نشود مجازات قابل اعمال نیست و در خصوص هر فرد باید به طور شخصی احراز شود. مسئولیت به طور کلی و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به طور اخص هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین المللی دارای تاریخچه پرفراز و نشیبی بوده و هنوز هم مسأله اختلاف بر انگیز و پرمناقشه ای است. تا چند دهه اخیر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی چه در زمینه های اقتصادی و بازرگانی، چه در زمینه حقوق کیفری، در حقوق داخلی بیشتر کشور ها پذیرفته نشده بود، اما بتدریج این واقعیت اجتماعی، دولت ها را ناگزیر به پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق داخلی خود نمود.

مفهوم مسئولیت کیفری دولتها که پس از جنگ جهانی اول شروع شد، در قرن بیست و یکم وارد مرحله تازه ای گردیده است. عدم تعیین و تشکیل یک دادگاه با یک مرجع بین المللی برای رسیدگی به مسأله مجرمیت دولت ها و اصولاً پیچیدگی مفهوم مجرمیت دولت و عدم وجود تعریف واحد و نبود قانونی که این مفهوم را در سطح بین المللی تعریف نماید، همواره ذهن اندیشمندان و حقوقدانان را به خود معطوف داشته است.^{۱۳}

قانون مصوب سال ۱۹۳۸ فرانسه مسئولیت اشخاص حقوقی را پذیرفت و قانون ۱۹۹۳ به این صورت تصویب شد که هنگام تعیین مجازات برای هر جرم، ابتدا مجازات اشخاص حقیقی و سپس مجازات اشخاص حقوقی تعیین شود.^{۱۴} مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به صراحت و برای اولین بار علی رغم ثنوری های حقوقی و رویه قضایی و متون قانونی سابق پذیرفته شد. عنوان دوم از کتاب اول مربوط به قواعد عمومی، به مسأله «مسئولیت کیفری» اختصاص داده شده و پس از ذکر مسئولیت شخص حقیقی بلافاصله، مسئولیت شخص حقوقی نیز صراحتاً پذیرفته شده است. اعمال ارتكابی به وسیله ارگان ها یا نمایندگان شخص حقوقی که به حساب و به توسط شخص حقوقی واقع شده باشد در

^{۱۱} اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، میزان، چاپ پنجم، تهران، جلد ۱، ۱۳۸۲، ص ۶۳

^{۱۲} گلدوزیان، همان، ص ۱۳۰

^{۱۳} رهگشا امیر حسین، مجله علمی تخصصی کانون دادگستری فارس، دوره سوم، شماره ۶، ۱۳۸۶، ص ۵۴

^{۱۴} زراعت عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، نشر ققنوس، تهران - ۱۳۹۲، ص ۲۴۴

صورتی که جرم تلقی شوند، شخص حقوقی پاسخ گوی آن ها از نظر کیفری خواهد بود. البته «دولت» به عنوان شخص حقوقی حقوق عمومی از این حکم مستثنی شده است.^{۱۵}

در حقوق کیفری ایران، به عنوان اصل و قاعده کلی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تا قبل از تصویب قانون سال ۱۳۹۲ پذیرفته نشده بود. بدین لحاظ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ما تا قبل از تصویب آن قانون منتفی بود ولی انتفای مسئولیت کیفری شخص حقوقی در قانون ما بطور عام بود اما بطور خاص در قوانین اشاراتی به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی شده است.

قانون مجازات اسلامی که توسط کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی به طور آزمایشی اجرا می شود و دارای مدت اجرا است. لذا تدوین قانونی جامع در این خصوص ضروری بود. قوه قضائیه در راستای بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این امر همت گمارد و لایحه مجازات اسلامی در بخش کلیات، در سال ۱۳۸۷ تقدیم هیأت دولت و متعاقباً مجلس شورای اسلامی گردید و نهایتاً در سال ۱۳۹۰ مورد تصویب قرار گرفت و سال ۱۳۹۲ قابلیت اجرایی یافت.

برای آن که عملی به عنوان جرم قابل مجازات باشد به عناصری احتیاج دارد ؛

قانون آن عمل را به عنوان جرم پیش بینی و مجازاتی برای آن تعیین نموده باشد. (عنصر قانونی)

فعل یا ترک فعل مجرمانه ای که ظهور خارجی یافته باشد. (عنصر مادی)

فعل مجرمانه با قصد یا تقصیر جزایی صورت گرفته باشد. (عنصر روانی)^{۱۶}

مطابق ماده ی ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی : مسئولیت کیفری تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد. برای تحقق مسئولیت در جرم عمدی، علاوه بر شروط سه گانه فوق الذکر، علم به موضوع و قصد ارتکاب رفتار مجرمانه هم نیاز است و در جرایم غیر عمدی علاوه بر شروط سه گانه، نیاز به تقصیر بزهکار است.^{۱۷}

اگر عنصر روانی را از شرایط تشکیل دهنده ی جرم و نه مسئولیت کیفری بدانیم، بدین معنا است که هر گاه فرد فاقد عنصر روانی، مرتکب رفتار مجرمانه شود، اساساً مجرم نیست تا قابل مجازات باشد.^{۱۸}

برخی با طرح دیدگاه سه عنصری بودن جرایم و اعتقاد راسخ به عنصر روانی، ارکان مسئولیت کیفری را قدرت تشخیص و آزادی اراده می دانند. این عده، نزدیکی هایی بین عنصر روانی و مسئولیت کیفری می بینند، ولی آن دو را از یکدیگر متمایز می دانند. عنصر روانی از علم و اراده تشکیل می شود و علم، با قدرت تشخیص، رابطه ی تنگاتنگ دارد. منظور از آزادی آن است که شخص بتواند اراده ی خود را به جهت خاصی معطوف سازد. بنابراین اگر عاملی همچون تهدید و اضطراب دخالت کنند، فاعل دارای اختیار کامل نخواهد بود و به اصطلاح آزادی اراده نخواهد داشت. آزادی اراده، شرط اعتبار اراده است و شرط تحقق آن نمی باشد، در حالی که اراده به عنوان جزئی از رکن معنوی، به معنای تحقق و وجود آن است. «^{۱۹}

همچنین از دیگر نظرهای ابرازی در خصوص ماده ۱۴۰ این است که : قانونگذار در قانون جدید شرایط احراز مسئولیت کیفری را با تقسیم بندی جرائم به عمد و غیر عمد در هم تلفیق کرده، به این نحو که شرایط عقل، بلوغ و اختیار را در جرائم عمدی، شرط مسئولیت کیفری به شمار آورده و شرایط قصد و علم (علم به موضوع) در قانون مشخص شده است.

مبحث دوم: مبانی و ضرورت مسئولیت کیفری حزب

گفتار اول: مبانی مسئولیت کیفری احزاب

همان طور که پیش تر بیان گردید، احزاب دارای شخصیت حقوقی هستند و لذا هنگام نقض قوانین کیفری توسط آنها باید همانند واکنش حقوق کیفری نسبت به اشخاص حقوقی، به آنها نیز واکنش کیفری نشان داد. البته گاهی از اوقات فعالیت احزاب رنگ جرایم سیاسی را به خود می گیرد که در این صورت بر اساس قانون و اصول بنیادین آیین دادرسی کیفری باید به شیوه ای متفاوت نسبت به سایر شخصیت های حقوقی با آنها رفتار کرد. شخص حقوقی بودن نیز مستلزم برخورد کیفری متفاوتی با اشخاص حقیقی است. مانند مجازات های خاص این اشخاص که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

پذیرش شخصیت حقوقی و آثار آن برای قبول مسئولیت کیفری و قابلیت انتساب فعل مجرمانه به آن کافی نیست. به عبارتی دارا شدن حق، مستلزم قبول مسئولیت کیفری نیست و این یکی از نقاط افتراق حقوق جزا با حقوق خصوصی است. «هرچند در میان حقوق دانان نیز برخی

^{۱۵} رهگشا ، همان ، ص ۶۰

^{۱۶} گلدوزیان ، همان ، ص ۱۵

^{۱۷} نبی پور، همان ، ص ۱۳۰

^{۱۸} همان ، ص ۱۳۱

^{۱۹} زراعت ، همان ، ص ۲۴۴

به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی معتقدند و برخی نیز منکر وجود آن هستند، اما گرایش غالب در اغلب کشورها به سوی پذیرش مسئولیت کیفری این اشخاص است.

در قانون اساسی مشروطیت کلمه «حزب» یا «احزاب» به کار برده نشده بود و به جای آن در اصل بیست و یکم متمم قانون اساسی از اصطلاح «انجمن ها و اجتماعات» بهره جستند. قوانینی که بعدها توسط مجلسین یا هیأت دولت در ارتباط با احزاب تدوین شد متأثر از این ماده بودند و بدان تصریح و استناد کردند.^{۲۰}

از آغاز مشروطیت تا انقراض رژیم سلطنتی ایران، هر چند پاره ای از قوانین در رابطه با احزاب تصویب شد، ولی می توان گفت که این قوانین اهمیت چندانی نداشتند و بیشتر در رابطه با تعیین تکلیف اموال احزابی بودند که به استناد اصل مذکور منحل گشته بودند.^{۲۱} با این حال، در اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصطلاح «احزاب» و جمعیت ها و

انجمن های سیاسی» صریحا به کار برده شد و بعدها نیز توسط هیأت دولت و مجلس شورای اسلامی قوانینی در این باره تدوین گردید، که بیانگر اهمیت تحزب در نظام جمهوری اسلامی ایران است. قانون لازم الاجرای کنونی «قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه های سیاسی» است که جایگزین قانون فعالیت احزاب، جمعیتها و انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰ شده است. قانون فوق مشتمل بر بیست و سه ماده و چهل و هشت تبصره در تاریخ ۹۴ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۵ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأیید بندهای (۲) و (۱۳) ماده (۱)، تبصره (۲) ماده (۷)، ماده (۸)، بند (۵) و تبصره (۵) ماده (۱۰) و تبصره (۲) ماده (۲۲) موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد. ضمنا اعتبار مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام ده سال است و پس از انقضاء این مدت قابل تمدید خواهد بود.

ماده ۱۸ قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه های سیاسی برخی از فعالیت هایی ممنوع برای احزاب را برشمرده است. این ماده در مقام بیان تخلفات احزاب بوده و نه تعیین جرایم احتمالی برای ارتکاب توسط احزاب. با دقت در این ماده مشخص می گردد که برخی از موارد مذکور در این ماده (مانند دریافت هر گونه کمک مالی از بیگانگان) فی نفسه جرم نیستند و یا حداقل با تحقق برخی شرایط دیگر جرم به شمار می آیند. به عبارت دیگر این ماده در پی جرم انگاری برای فعالیت احزاب نبوده و اینها تخلفاتی هستند که تنها در کمیسیون ماده ۱۰ - که یک مرجع اداری و نه قضایی است - قابل رسیدگی می باشد.

علاوه بر قانون مذکور، در هیچ کدام از قوانین قبلی نیز به مسئولیت کیفری احزاب اشاره ای نشده و فقط به ذکر تخلفات و اعمال ممنوعه از سوی احزاب بسنده شده است. در قانون جدید، پس از ذکر تخلفات و عنوان برخی جرایم، مقرر گردیده است که تصمیم کمیسیون دوازده تخلفات گروه ها، مانع از تعقیب قضایی جرایم ارتكابی نخواهد بود و بر اساس تبصره ۳ ماده ۱۹ در مواردی که جرم مربوطه عنوان جرم سیاسی داشته باشد، این رسیدگی با حضور هیأت منصفه موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی صورت می پذیرد. دوازده بند پ ماده ۲ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ نیز به این امر تصریح شده است و «جرایم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰» از مصادیق جرم سیاسی شناخته شده است. به عبارت دیگر، قانون فعالیت احزاب کاربردی در دادگاه های کیفری ندارد و تنها کمیسیون ماده ۱۰ است که می تواند به آن رجوع کند. دلیل این مسأله آن است که «قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه های سیاسی» فاقد هر گونه نگاه کیفری به احزاب است و تکلیفی برای مراجع قضایی در این قانون آورده نشده است.

گفتار دوم: نظریه مسئولیت کیفری حزب

به منظور تبیین مسئولیت کیفری احزاب سیاسی، جرایم سرزده از یک حزب را می توان به دو دسته «جرایم حزبی» و «جرایم حزبی شده» تقسیم نمود. جرایم حزبی جرایمی هستند که یا تنها از سوی نهاد حزب قابل ارتکاب هستند و یا اینکه در راستای اهداف اصیل حزب که در مرامنامه و اساسنامه آمده باشند، ارتکاب یافته و خالی از هر گونه خشونت باشند.

^{۲۰} محسی، فرید، «تحولات مسئولیت کیفری سر کن ها از نظر تا عمل»، دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۵۲ و ۵۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۳۰

^{۲۱} مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸، ص ۱۹: محمد جواد، شخصیت حقوقی، تهران، نشر دانا، ۱۳۸۲، ص ۹۹

^{۲۲} ماده ۱۰ این قانون مقرر می دارد: «به منظور صدور پروانه جهت تشکیل حزب و نظارت بر فعالیت احزاب و انجمن های اقلیت های دینی و انجام وظایف تصریح شده در این قانون، کمیسیون احزاب به شرح زیر در وزارت کشور تشکیل می شود

۱ - نماینده دادستان کل کشور

۲ - نماینده رئیس قوه قضاییه

۳ - یک نماینده از میان دبیران کل احزاب ملی و یک نماینده از میان دبیران کل احزاب استانی دارای پروانه فعالیت بدون حق رأی

۴ - معاون سیاسی وزارت کشور

۵ - دو نماینده به انتخاب مجلس شورای اسلامی از بین نمایندگان داوطلب»

^{۲۳} طبق ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲، رسیدگی به جرایم سیاسی در صلاحیت دادگاه کیفری یک» است که جایگزین دادگاه کیفری استان شده است

به عبارتی این جرایم از مصادیق بارز «جرم سیاسی» هستند. اما جرایم حزبی شده جرایمی هستند که در پوشش احزاب ارتکاب یافته اند و هیچ گونه ملازمه ای با اهداف مشروع احزاب نداشته و نیز منطبق با تعریف جرایم سیاسی نباشد. اما اکثر حقوق دانان ویژگی های خاصی را برای جرایم سیاسی قبول کرده اند، از جمله داشتن هدف کاملاً سیاسی، عاری بودن از خشونت و متوجه بودن جرم نسبت به دولت.^{۲۴}

طبق این نظر «جرایم حزبی» جرایمی هستند که در مورد آنها امکان حمل مسئولیت کیفری بر شخصیت حقوقی وجود دارد. در حالی که در «جرایم حزبی شده» تنها اشخاص حقیقی دخیل در ارتکاب جرم را می توان مسئول دانست. بر این اساس جرایمی که مستلزم مجازات قصاص، دیات و حدود هستند و یا مشتمل بر ویژگی خشونت می باشند، به طور کلی یا قابل انطباق با عنوان جرایم حزبی نیستند و یا اصولاً از سوی شخصیت حقوقی حزب قابل ارتکاب نیستند تا بتوان مسئولیت کیفری را بر حزب بار کرد.

بنابراین، در این موارد مسئولیت کیفری متوجه اشخاص حقیقی خواهد بود. البته باید توجه داشت که در مواقعی که شخص حقوقی حزب مجازات می گردد، چنانچه اشخاص حقیقی با سوءنیت و انگیزه های مجرمانه در ورای شخصیت حقوقی حزب مرتکب جرم شده باشند.

این امر نباید مانعی برای مسئول دانستن اشخاص حقیقی مرتکب جرم باشد. زیرا هم منافع سوء خود را پیگیری کرده اند و هم به رشد و توسعه فعالیت های حزبی و تحزب آسیب رسانده اند. در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز بر این امر تأکید شده است. بنابراین تفاوت ویژگی های جرایم حزبی و حزبی شده را می توان به شکل زیر بیان کرد: و در جرایم حزبی، ماهیت جرم سیاسی است؛ انگیزه جرم سیاسی است؛ تنها از سوی احزاب قابلیت ارتکاب دارند و یا در راستای اهداف اصیل حزب که در مرامنامه و اساسنامه آمده باشند ارتکاب می یابند؛ خالی از هر گونه خشونت می باشند؛ گردانندگان اصلی حزب دستور ارتکاب جرم را می دهند یا از وقوع جرم مطلع هستند و انگیزه های شخصی در ارتکاب جرم بی تأثیر است و یا اینکه در درجات بعد از مناسبات سیاسی قرار دارد.

اما در جرایم حزبی شده، یک یا چند مؤلفه از موارد مذکور موجود نیست. در مورد ارتداد ممکن است شبهه ای وجود داشته باشد. کما اینکه مواردی از این قبیل در تاریخ انقلاب اسلامی نیز قابل بررسی است. در این خصوص باید گفت که هر چند در قانون مجازات سابق و جدید ارتداد مورد تصریح قرار نگرفته است، ولی بر اساس ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مورد حدودی که در قانون ذکر نشده است (از جمله ارتداد) طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی عمل می شود. به عبارتی ارتداد به طور غیر مستقیم جرم انگاری شده است و می توان با رجوع به منابع فقهی معتبر مجازات و احکام ارتداد را تعیین نمود.

اما به نظر می رسد این مورد نیز از «جرایم حزبی» به شمار نمی آید، زیرا طبق ماده تبصره ۵ ماده ۲ قانون فعالیت احزاب، احزاب باید صراحتاً التزام خود را به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اساسنامه و مرامنامه خود ذکر کنند. بنابراین، نفی ضروریات دین مبین اسلام پس از تشکیل حزب مغایر با اساسنامه و مرامنامه حزب تأسیس شده خواهد بود و این امر باعث می شود تا ارتداد با تعریفی که از «جرایم حزبی» عنوان کردیم. همخوانی نداشته باشد.

از سوی دیگر، ارتداد در زمره جرایم سیاسی نیست. در قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ نیز به ارتداد اشاره نشده و حتی با تعریف جرم سیاسی در ماده ۱ و مصادیق جرم سیاسی در ماده ۲ این قانون نیز سازگار نیست. بنابر این، در این مورد نیز اشخاص حقیقی پاسخگوی اعمال و رفتار خود خواهند بود، هر چند که می توان احزاب چنین افرادی را توسط اقدامات تأمینی و یا اختیار دادگاه با تقاضای کمیسیون ماده ۱۰ منحل نمود. انحلال حزب از این طریق به عنوان مجازات شخصیت حقوقی حزب نخواهد بود و جدای از مسئولیت کیفری مستقل حزب، اعمال خواهد شد.

اما در مورد جرایم حزبی» که همگی تحت عنوان تعزیرات قرار دارند، با توجه به بنیادهای حقوقی که در این جرایم کاربرد دارند، از جمله نهاد تبدیل مجازات، مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر و تفاوت رسیدگی در جرایم سیاسی با جرایم عادی، هیچ گونه منعی برای مسئول دانستن شخص حقوقی حزب نداریم، قانون مجازات اسلامی جدید نیز مشکل انتخاب مجازات خاص برای شخصیت حقوقی حزب را برطرف کرده است. هر چند که مجازات های مذکور تناسب زیادی با احزاب به عنوان یک شخص حقوقی خاص و متفاوت از سایر اشخاص حقوقی ندارد.

از لحاظ نظری، مشکل عنصر معنوی را نیز می توان با تمسک به نظریات طرفداران مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حل نمود. از نظر وجود قصد در احزاب باید از «اراده جمعی» در مورد آنها نام برد که همچون اراده فردی می تواند خطا کند.

بی تردید اشخاص حقوقی چون اشخاص حقیقی و به مانند ایشان عمل فیزیکی خارجی که مبین تجلی اراده مجرمانه آنها باشد انجام نمی دهند، اما چون محرک در فعالیت های مادی هستند، می توان آنها را به عنوان «فاعل حقیقی» یا در برخی موارد تحت عنوان معاون» شناسایی کرد. ممکن است ایراد شود که این مساله به اصل شخصی بودن جرایم خلل وارد می کند. اما چنین نیست. زیرا همچنان که عنوان شد، اراده فردی جای خود را به اراده جمعی می دهد. احزاب توسط اعضای که دارای اراده و اختیار آزاد هستند (به عنوان مثال اعضای هیات رهبری یا اجرایی اداره می شوند که شخص حقوقی حزب بالتبع دارای چنین اراده ای است و باید پاسخگوی اعمال خود باشد.^{۲۵}

^{۲۴} ۴۴ برای اطلاعات بیشتر رک زراعت، عباس. جرم سیاسی، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۷، ص ۱۱

^{۲۵} فرج الهی، رضا، جرم شناسی و مسئولیت کیفری، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹، ص ۲۹

لذا شخص حقوقی حزب در صورت ارتکاب جرم دارای مسئولیت کیفری است. و همچنین می توان به «نظریه مسئولیت کلینگر» که طرفداران مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ارائه نموده اند، اشاره کرد که از دیدگاه آنان به مبنایی برای مسئولیت مستقیم و مستقل اشخاص حقوقی بدل شده است.

بر مبنای این نظریه، یک شخص حقوقی می تواند باعث ایجاد یک محیط خطرناک گردد که جرایم در آن قابلیت ارتکاب دارند و در چنین حالتی اشخاص حقوقی مستقیماً در مقابل چنین اعمال مجرماندای مجازات می شوند.^{۲۷} و در شرایط کنونی و با توجه به قوانین حاکم، به نظر می رسد تدوین کنندگان لایحه قانون احزاب با سکوت خود نخواستند که خود را درگیر این مسائل کنند و مسئولیت کیفری در مورد احزاب را به سکوت نهاده اند.

بر اساس اصل براءت، تا زمانی که قانون گذار مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را جداگانه به رسمیت نشناخته است، نمی توان بر مسئول بودن آنها حکم صریح نمود. اما همان گونه که اشاره کردیم، در اقدامی مثبت در قانون مجازات اسلامی جدید، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی شناسایی شده است.

ماده ۱۴۳ این قانون که در این رابطه است، فقط تا حدی منطبق با نظر ارائه شده ما برای تبیین مسئولیت کیفری احزاب است. گفتیم که «جرایم حزبی» جرایمی هستند که یا تنها توسط نهاد حزب قابل ارتکاب هستند و یا اینکه در راستای اهداف اصیل حزب که در مرامنامه و اساسنامه آمده باشند، ارتکاب یافته و خالی از هر گونه خشونت باشند؛ لذا اکثر مواردی که طبق این قانون مسئولیت کیفری بر شخصیت حقوقی حزب تحمیل می شود، همان «جرایم حزبی» می باشند.

زیرا جرایم حزبی در هر حال در راستای اهداف حزب ارتکاب می یابد. «جرایم حزبی شده» نیز جرایمی هستند که خود شخص حقیقی بار مسئولیت آن را به دوش خواهد کشید. البته همان گونه که قبلاً توضیح دادیم، در مواردی که شخص حقوقی حزب مجازات می شود، این امر نباید مانع مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مرتکب جرم باشد و در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی جدید نیز به درستی به این امر اشاره شده است.

با این حال با توجه به اینکه در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی جدید، بر خلاف ماده ۱۹ قانون جرایم رایانه ای، برای مسئولیت کیفری شخص حقوقی، ارتکاب جرم به نام «یا» در راستای منافع آن کافی است، بنابراین در مواردی احکام مستنبط از ماده ۱۴۳ برای بار کردن مسئولیت کیفری بر حزب با آنچه مدنظر ما در مورد جرایم حزبی یا حزبی شده است.

در جایی که شخص حقیقی تنها «به نام» حزب مرتکب جرم می شود - تفاوت دارد. زیرا ممکن است یک فرد، اعمالی خشونت بار را - که در واقع خارج از مصادیق جرم حزبی است و در آن کیفر دادن شخصیت حقوقی حزب ناموجه می نماید. به نام حزب سیاسی خود مرتکب شود و حتی این اعمال در راستای منافع آن حزب هم نباشد. وجهه و اعتبار نام یک حزب، نقاب مناسبی برای انجام فعالیت های مجرمانه خواهد بود و ممکن است مورد استفاده اعضای عادی و سودجوی احزاب گردد که تنها با انگیزه های سوء به عضویت احزاب در آمده باشند.

به عنوان مثال فردی از اعضای یک حزب به نام حزب و بدون اطلاع گردانندگان حزب اقدام به قاچاق انسان نماید. یا فعالیت های سودآور مجرمانه ای را به نام حزب و با انگیزه شخصی انجام دهد که هیچ مناسبتی با اهداف حزب در اساسنامه و مرامنامه آن نداشته باشد. این اعمال درست همان جرایم حزبی شده هستند که در لوای وجهه و اعتبار یک حزب سیاسی ارتکاب می یابند.

در این حالت طبق ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، شخصیت حقوقی حزب نیز مجازات خواهد شد. با توجه به مطالبی که گذشت، این نوع برخورد با جرایم سر زده از فعالان حزبی با مصالح تحزب سازگار نیست.

شاید بهتر است که کلمه «یا» از متن این ماده حذف شود و همانند ماده ۱۹ قانون جرایم رایانه ای رفتار شود. هر چند که این تغییر باعث سهل گیری در مورد اشخاص حقوقی جرم ساز می شود. قانون گذار نیز در زمان تصویب این قانون به اشخاص حقوقی عادی (مخصوصاً تجاری) که معمولاً در ارتکاب جرایم نقش پررنگی دارند. توجه داشته است و کمتر به اشخاص حقوقی خاص مانند احزاب توجه نموده است که ارتکاب جرم از ناحیه آنها کم بسامد است. اما باز هم این راهکار مشکل ما را حل نخواهد کرد، چراکه ممکن است جرمی هم در راستا و هم به نام شخصیت حقوقی حزب ارتکاب یابد ولی با تعریفی که از جرایم حزبی ارائه گردید، هماهنگ نباشد. به نظر می رسد که شایسته است به علت خاص بودن این شخصیت های حقوقی و ارتباط اغلب جرایم احزاب با قواعد و احکام مربوط به جرایم سیاسی، مسئولیت کیفری آنها بر مبنای ماهیت سیاسی این جرایم به صورت جداگانه تبیین شود.^{۲۸}

دلیل دیگر بر لزوم قانون گذاری افتراقی در مورد مسئولیت کیفری و جرایم و مجازات های احزاب آن است که از یک سو «امروزه احزاب سیاسی در غالب کشورهای جهان دارای منابع عظیم مالی و غیر مالی بوده و بعضاً از اقتدارات و اختیارات فوق العاده ای برخوردارند. این

^{۲۷}Delmas Marty, Mireille, Droit Penal Des Allaires, Partiene Cienrcal. Tome 1, Pli, 1996, p. 122.

^{۲۸} جهت دیدن نظر موافق با تبدیل «یا» به «و» رک شریشی، محسن؛ و همکاران، منبع پیشین، ص. ۸۶ ۱۲ غلامی، حسین، «بررسی جرایم احزاب سیاسی در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۸۹، ص ۱۷۱

وضعیت تا بدان جا توسعه یافته که حتی انواع بزهکاری این احزاب نیز همگام با تحولات مدرن، تغییر شکل داده است و در قالب بزهکاری سازمان یافته و بعضاً مافیایی نمود می یابد.^{۲۸} از سوی دیگر، حساسیت نقش احزاب در توسعه سیاسی کشور و لزوم «تداوم حیات حزب، جدای از گردانندگان حزب» بر لزوم تحدید امکان مسئول شناختن احزاب تأکید می کند.

لزوم تحدید مسئولیت در این مورد تا جایی است که کشورهایی مانند اتریش و لتونی و مقدونیه برای احزاب مصونیت از تعقیب قائل هستند. همچنین، توان مالی بالای احزاب و انگیزه های سیاسی آنها فارغ از مسائل اقتصادی باعث می شود که سودمندی مجازات های معمول برای اشخاص حقوقی، که بیشتر متناسب با طبع تجاری و اقتصادی آنها تبیین می شود، در مورد احزاب صدق نکند.^{۲۹} این امر دلیل دیگری بر لزوم قانون گذاری افتراقی در مورد احزاب و لزوم تبیین مجازات های متناسب با خود آنهاست. در نتیجه، در شرایط کنونی، به نظر می رسد که ملاک ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جهت تعریف مسئولیت کیفری برای احزاب سیاسی چندان با ماهیت سیاسی فعالیت آنها و خاص بودن شخصیت حقوقی آنها سازگار نیست و بهتر است که در لایحه قانون احزاب اقداماتی در این جهت انجام شود.

گفتار سوم: ضرورت مسئولیت کیفری احزاب

با توجه به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در وجود مسئولیت کیفری برای شخصیت حقوقی حزب تردیدی کردن مسئولیت بر خود شخصیت حقوقی حزب وجود دارد؟

یک نظر این است که با توجه به اینکه تحزب یکی از مهم ترین ابزارها برای نیل به جامعه سیاسی مردم سالار و ضامن توسعه سیاسی و پیشرفت کشور است، افراد نمی توانند در پوشش احزاب برای نیل به مقاصد شخصی خود و رسیدن به اهداف سیاسی و غیر سیاسی از مجاری غیرقانونی گذر کرده و از مسئولیت کیفری بگریزند. لذا در صورت وقوع جرم تنها اشخاص حقیقی هستند که بایستی تاوان اعمال خود را بپردازند.

نظر متصور دیگر این است که شخصیت حقوقی حزب جدای از شخصیت اشخاص تشکیل دهنده آن است. همان طور که موفقیت های یک حزب در عرصه سیاسی برای خود حزب شناخته می شود، نه اعضای آن و حتی اغلب ارتکاب جرم نیز در راستای اهداف سیاسی حزب صورت می پذیرد، بهتر است که خود شخصیت حقوقی حزب مسئول کیفری قلمداد شود، زیرا اراده افراد یک حزب با هم ادغام شده و تصمیمی که در نهایت گرفته می شود، برخاسته از نهاد حزب است.

به علاوه، جرایم حزبی دارای انگیزه سیاسی بوده و چه بسا اعمالی این چنین که از یک حزب سر می زند، مورد قبول حامیان و توده های مردمی پشتیبان آن باشد. از این رو بایستی نسبت به آنان نگاهی ملایم تر داشت. این دیدگاه باعث ایجاد انگیزه برای افزایش فعالیت های حزبی و تحزب گرایی در جامعه می شود که بی گمان عامل مؤثری در توسعه نظام سیاسی و پیشرفت کشور است.

نظر دیگر که شاید بهتر از این دو باشد این است که قائل به تفکیک باشیم که در ادامه به بررسی آن می پردازیم. البته این نظر صرفاً یک پیشنهاد برای منطبق کردن مسئولیت کیفری مستقیم احزاب با مبانی حقوق اسلامی و حقوق موضوعه می باشد و در مواد قانونی همه جزئیات این نظر وجود ندارد، هر چند قانون گذار می تواند این شیوه را با تصویب در قوانین مربوطه در پیش بگیرد.

و نقش کلیدی احزاب در کنترل قدرت در جامعه و لزوم تداوم حیات حزب به عنوان یکی از مؤلفه های حیاتی در شناسایی احزاب، ضرورت تفکیک مسئولیت حزب از مسئولیت اعضای آن را می طلبد. از آثار این تفکیک، توجه به مرتبه سازمانی اعضای حزب است.

تفاوت اعمال «گردانندگان حزب» به عنوان قوه عاقله و هدایتگر شخصیت حقوقی و «اعضای معمولی» که از دستورات مدیران پیروی می کنند و مجری منویات آنان هستند، بایستی موجب تفاوت امکان مسئول دانستن شخصیت حقوقی حزب شود. چنانچه ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی جدید را مبنای مسئولیت کیفری حزب بدانیم، این مهم برآورده نخواهد شد.

توضیح اینکه «قانون گذار در مقام اعمال مسئولیت نیابتی، هیچ تلاشی برای تفکیک بین مرتبه سازمانی نمایندگان شخص حقوقی نکرده است، حال آنکه بین رفتار مدیران و نمایندگان معمولی تفاوت وجود دارد.^{۳۰} اهتمام به جایگاه این دو گروه به اعتبار آثاری که در پی دارد، حائز اهمیت است. از جمله چنانچه نماینده معمولی شخص حقوقی، مقررات را نقض کند، مدیران قادرند با اثبات اینکه کوشش لازم را برای جلوگیری از ارتکاب جرم به خرج داده اند، موجبات تبرئه شخص حقوقی را فراهم سازند.» شورای اروپا نیز در اصول راهنمای خود، خطاب به کشورهای عضو به این موضوع تصریح نموده است.^{۳۱}

^{۲۸} Federal Act on the Financing of Political Parties (Political Parties Act 201[Parteiengesetz 2012) Federal Law Gazette I No. 56/2012. & POLITICAL PARTIES ACTs, Official Gazette of the Republic of Macedonia no. 76/200), 52007. S/2007, 2008

^{۲۹} شریفی، محسن: حبیب زاده، محمد جعفر، عیسیای نقرسی، محمد و محمد فرجیها، «انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان». آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶. پاییز و زمستان ۱۳۹۳. د. ۶۸

^{۳۰} Wells, Celia. Corporation and Criminal Responsibility, 2nd edition. Oxford, Oxford

قانون گذار انگلستان در فصل بیستم از «قانون احزاب سیاسی، انتخابات و همه پرسی ها، مصوب سال ۲۰۰۰» به این مطلب توجه داشته و در مورد جرایم و تخلفات احزاب به تفکیک بین مسئولیت حزب، گردانندگان اصلی و اعضای عادی آن پرداخته است.^۳

نتیجه:

اگر نگاهی به تاریخچه جرایم سیاسی در ایران بیندازیم می بینیم که جرم سیاسی در ایران مراحل زیادی را سپری کرده است تا با این زمان برسد، در زمان حکومت سلسله هخامنشیان، قوه قضاییه توسط پادشاه اداره می شد و برای جرایمی مانند خیانت به وطن و اهانت به خاندان سلطنتی مجازات اعدام در نظر گرفته شده بود و این کار به صورت نوشاندن زهر یا سنگسار کردن با کوبیدن سر در میان دو سنگ صورت می گرفت. در زمان ساسانیان، روحانیان کار قضاوت را بر عهده داشتند. مجرمان سیاسی در مکانی نامطبوع و در میان جانوران مودی محبوس می شدند و یا با شمشیر و کندن پوست و رجم و بریدن اعضای بدن به قتل می رسیدند.

کتاب اوستا نیز جرایم را به سه دسته عمومی، مذهبی و سیاسی تقسیم کرده است و این مبنای محکمی برای قضات و حقوق دانان آن دوره محسوب می شد. در دوره پس از اسلام، احکام جزایی بر اساس مقررات اسلامی اجرا می شد و صرف نظر از یاسای چنگیز و پرلیغ غازانی و تزوک تیموری و احکام بعضی از پادشاهان، حقوق ایران بر مدار فقه قرار داشت. اما با وجود این، پادشاهان از اعمال سلیقه های شخصی دست برنمی داشتند و بعضا مجازات های سختی را نسبت به مجرمان سیاسی اعمال می کردند، به گونه ای که در دوره صفویه، این مجازات ها به حد اعلاي خشونت رسیده بود. از زمان مشروطیت، حقوق ایران تحت تاثیر قوانین مدون کشورهای غربی، تخفیف هایی برای مجرمان سیاسی در نظر گرفت، اما در عمل، باز هم مصادیق

جرایم سیاسی در عداد جرایم عادی به شمار می آمد و دادگاه های نظامی، مجازات های سختی درباره مجرمان سیاسی اعمال می کردند به طور کلی، مجرمان سیاسی در ایران هرگز از ارفاق برخوردار نبودند. به جرم این افراد در دادگاه های نظامی رسیدگی می شد و تعقیب جرم نیز از طریق سازمان اطلاعات و امنیت کشور صورت می گرفت که برای گرفتن اقرار، از هیچ شکنجه و آزاری دریغ نمی کردند. جلسات محاکمه از هیات منصفه و تماشای خالی بود و حتی اجازه گرفتن وکیل هم به متهمان داده نمی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با دیدگاه مثبتی که تدوین کنندگان قانون اساسی به مجرمان سیاسی داشتند، نکاتی در قانون اساسی گنجانده شد که می توان در اصل ۱۶۸ قانون اساسی شاهد آن بود، اما قوانین عادی کشور تاکنون تحولی محسوس و مؤثر در این زمینه نداشته است. جرم سیاسی در حقوق ایران علاوه بر تعاریف ابرازی از سوی دکترین و حقوق دانان از سوی معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری، کمیسیون حقوق بشر اسلامی، مجلس شورای اسلامی تعاریف متعددی ارائه گردیده در حقوق اسلام عنوان جرم سیاسی که در حقوق نیز از اصطلاحات جدید است، مطرح نبوده و نیست، ولی از نظر احکام و محتوا می توان مقررات جرم سیاسی را پیدا نمود که یکی از بارزترین مصادیق آن؛ جرم بغی است که از نظر حقوق اسلام باغیان دارای امتیازاتی هستند. احزاب سیاسی در هر کشوری که جمهوری محسوب می شود وجود دارد و لزومی است که قابل انکار نیست. جرم سیاسی نیز در کشوری که احزاب سیاسی متعدد دارد قطعاً به وقوع می پیوندد.

پیشنهادهات:

- ۱- جداسازی دادگاه رسیدگی کننده به جرایم سیاسی از دادگاه انقلاب که مجرمان نتوانند به بهانه ی محاکمه در دادگاه انقلاب در سایر کشورها پناهندگی سیاسی بگیرند و به تبلیغات منفی علیه کشور بپردازند.
- ۲- رسیدگی به جرایم سیاسی با حضور هیات منصفه که در قوانین پیش بینی شده است دقیقتر پرداخته شود
- ۳- جرم سیاسی خاص است و باید در فضایی جدا از قانون مجازات اسلامی به این موضوع پرداخته شود تا علاوه بر کارشناسان حقوق و قضا، کارشناسان اجتماعی، سیاسی و جامعه شناسان در این زمینه اظهارنظر کنند که در قانون مجازات اسلامی مجالی برای این کار نیست.
- ۴- تعریف درستی از جرم سیاسی بیان شود و مرز آن با جرایم امنیتی جدا و مشخص شود.
- ۵- توجه به ایرادات قانون جرم سیاسی مصوب ۹۴ گردیده و پیشنهادی راجع به آن درج شود

^۳University Press, 2001, p. 122. 3. Political Parties, Elections and Referendums Act 2000, Parliament of the United Kingdom.

منابع:

- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، میزان، چاپ پنجم، تهران، جلد ۱، ۱۳۸۲
- آخوان کاظمی، بهرام، «احزاب، ثبات سیاسی و امنیت»، مطالعات راهبردی، شماره ۴، ۱۳۷۸
- آقایی نیا، حسین. (۱۳۸۷). حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص، تهران میزان، چاپ سوم.
- برزین، سعید، جناح بندی سیاسی در ایران از ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۹، ج ۴، نشر مرکز، ۱۳۸۹
- پاسبان. محمدرضا. حقوق شرکت های تجاری. تهران، امارات سمت، ۱۳۸۹
- علی آقا بخشی، مینو افشاری، فرهنگ سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۵،
- موریس دوورژه، اصول علم سیاست، ترجمه ی ابوالفضل قاضی، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی،
- شاملی، مجید، زمان تحقق شخصیت حقوقی در شرکت های سهامی، نشریه وکالت، ش ۲۸، ۱۳۸۴
- شهاب صارمی، اصغر، احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.
- لولویی، کیوان، «تجرب در دهه ی ۲۰ فصلی نو در تاریخ احزاب سیاسی ایران»، اقتصاد اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۳۹ - ۱۰، ۱۳۷۸،
- مدیر شانه چی، محسن، «موانع تکوین احزاب سیاسی در ایران»، انتشارات همشهری (کتاب دوم)، ۱۳۹۰
- نوروزی، امید، جایگاه احزاب در نظام جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، ۱۳۸۰
- دفتر مطالعات سیاسی مجلس شورای اسلامی، «قانون گذاری در خصوص احزاب سیاسی بررسی مقایسه ای»، مترجم احمد رنجبر، ۱۳۸۷،
- عمید زنجانی، عباسعلی، «احزاب از منظر قانون اساسی و سایر مقررات حاکم»، انتشارات همشهری (کتاب دوم)، ۱۳۸۶
- فهرست موضوعی مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، دوره اول، سال دوم، ۱۳۸۰
- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی: کلیات حقوق جزا، گنج دانش، چاپ دوم، تهران، ج ۱، ۱۳۷۵،
- هاشمی، سید محمد، «جامعه ی مدنی و نظام سیاسی»، تحقیقات حقوقی، شماره ۲۳، ۱۳۷۱
- مهدی زاده، مهدی، (مقدمه ای بر آسیب شناسی احزاب سیاسی در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران)، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶
- وحیدیان، امیر، «تقویت جایگاه احزاب در جمهوری اسلامی ایران موانع و راهکار ها»، دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی. تیر ۱۳۸۶.
- مهدی زاده، مهدی، (مقدمه ای بر آسیب شناسی احزاب سیاسی در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران)، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶

مالمیری، احمد و قهرمانپور بناب، رحمان، «بررسی راه های اعطای کمک های مالی دولت به احزاب، مجلس و پژوهش ، شماره ۳۸ ، سال دهم،

هگشا امیر حسین، مجله علمی تخصصی کانون دادگستری فارس، دوره سوم، شماره ۶، ۱۳۸۶

زراعت عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، نشر ققنوس ، تهران -۱۳۹۲

زراعت، عباس. جرم سیاسی، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۷،

محسی، فرید، «تحولات مسئولیت کیفری سر کن ها از نظر تا عمل». دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۵۱ و ۵۲. پاییز و زمستان ۱۳۸۹

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸، ص ۱۹: محمد جواد، شخصیت حقوقی، تهران، نشر دانا، ۱۳۸۲،

رج الهی، رضا، جرم شناسی و مسئولیت کیفری، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹

غلامی، حسین، «بررسی جرایم احزاب سیاسی در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۳۰، بابیر ۱۳۸۹،

شریفی، محسن: حبیب زاده، محمد جعفر، عیسایی نقرسی، محمد و محمد فرجیها. «انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام

کیفری ایران و انگلستان». آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶. پاییز و زمستان ۱۳۹۳. د. ۶۸

غلامی، حسین (۱۳۸۹). بررسی جرایم احزاب سیاسی در حقوق کیفری ایران، سال دوازدهم، شماره ۳۰، ویژه نامه هفته پژوهش، ۱۳۸۹

شیخ الاسلامی، عباس. (۱۳۸۰). جرایم مطبوعاتی، مشهد: جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۸۰

ولیدی، محمد صالح. (۱۳۷۴). حقوق جزای اختصاصی: جرایم بر ضد امنیت و آسایش عمومی، ج سوم، تهران: نشر داد، چاپ چهارم

Martin, Elizabeth. Oxford Dictionary of Law, ۷th edition. Oxford, Oxford University Press, ۲۰۰۳, p15

Delmas Marty, Mireille, Droit Penal Des Allaires, Partiene Cienclal. Tome 1, Pli, 1996, p. 122.

Federal Act on the Financing of Political Parties (Political Parties Act 201[Parteienengesetz 2012) Federal Law Gazette I No. 56/2012. & POLITICAL